

استاد دکتر محمد مقدم

" بشنوید به گوش بهترین سخنان را ، ببینید
با اندیشه روشن به کام ما را گزیدن ، مرد و زن
هر یک برای خویشتن پیش از آنکه بزرگ کار
به پسند ما برآید ای هشیاران " زردشت
دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پاس خدمات دانشگاهی استاد شایسته
جناب آقای دکتر محمد مقدم این شماره مجله دانشکده ادبیات را ویژه جشن نامه
ایشان ساخته است . همکاران من ، که خود از ارادتمندان و دلباختگان ایشان هستند ، به
این مناسبت از من خواسته اند که چند سطر درباره شناسائی پایگاه علمی و معرفی آثار
ایشان بپردازم . با سپاسگزاری از این اقدام ریاست محترم دانشکده . و با اینکه میدانم
بیش از من و پیش از من شاگردان دیگر استاد شایستگی چنین کاری را دارند ، به نشان
حق شناسی و سپاسداری این خواسته را از جان و دل پذیرفتم و کوشش میکنم تا آنجا که
میتوانم در این زمینه در یافته های خود را بازگویم و حق خدمت استاد گزارده شود ،
گرچه میدانم که شمع در پیش آفتاب نهادن است و چه کسی است که در این مرز و بوم
با دانش ایران شناسی سروکار داشته باشد و با آثار قلمی و اندیشه های ایشان آشنا
نماید .

نخستین روزهای آشنائی من با ایشان بیست و هفت سال پیش بود در درسهای
زبان " اوستا " و " فارسی باستان " و " کلیات زبان شناسی " . با اینکه به دشواری میتوان
خاطرات آن روزها را به یاد آورد ، درس استاد به اندازه ای دلنشین و گیرا بود که هنوز
پس از گذشت سالیان دراز با اندکی جستجو در گنجینه حافظه یاد آن روزها بزودی
زنده میشود و در پیش چشم میاید . و چه خاطرات شیرین و یادگارهای دلکش که از آن
روزگار به یاد میاید ، روزهایی که باشوق و گرمی فراوان در سر درس استاد حاضر میشدیم
و بهترین سخنان را که من در آغاز زیب گفتار خود ساخته ام و سروده بهامبر ایرانی
است از زبان ایشان می شنیدیم .

سخنان تازه به گوشمان میخورد: ایرانی پدیدآورنده خط حرفی در جهان است، مهر پیمبری بود ایرانی که در زمان اشکانیان میزیست، زبان از آسمان نیفتاده، نوشته های تاریخ را بناید چشم بسته پذیرفت، مهاجرت آریاییان به ایران صورت نگرفت بلکه از ایران صورت گرفت . . .

آنچه می آموختیم تنها درس کتاب و نوشته خشک و بی روح دستور زبان نبود. در پشت این آموختن ها پرورش اندیشه و مردمی نهفته بود. از خواندن اوستا مقصودی بیرون به اندیشه های ژرف زردشت، آن پیمبر راستین و اندیشه مند بزرگ ایرانی بود. از خواندن کتیبه های فارسی باستان آشنائی با آیین بزرگی و سروری ایرانیان و کشورداری ایشان بر پایه اندیشه والای مردمی در نظر بود، زبان شناسی انگیزه ای بود برای دانستن اهمیت رابطه خط و زبان و سهمی که ایرانیان در پدید آوردن و ساختن خط داشتند، و برجستگی زبان فارسی در میان زبانهای زنده دنیا و پروردگی و آمادگی آن برای بیان اندیشه های انسانی. با یک سخن آموختن بر پایه اندیشیدن درست.

محیط درس محیطی گرم و دوستانه بود. با آنکه موضوع درسها چندان آسان و پیش پا افتاده نبود به اندازه ای در آموختن آنها در ما دل بستگی پیدا شده بود که تمام هفته در انتظار فرا رسیدن ساعت درس ایشان بودیم. آزادی اندیشه و گفتار همیشه حکمفرما بود و در آموزش چاشنی ذوق و شادی نمایان. درس هرگز خسته کننده نمیشد. گوئی دیروز بود که استاد یکی از دانشجویان را بنام آقای س. فرستادند پای تخته که بندی از سنگ نوشته داریوش را رونویسی و ترجمه کند. نتوانست و مدتی دست به دست میکرد. استاد ناگزیر دانشجوی دیگری را خواندند تا کار او را سامان بخشد. آقای س. رو کرد به استاد و گفت: "استاد جایکه عقاب پر بریزد. . . . مناسب گویی از این بهتر نمیشد، و همیشه روش آموزش از همین دست بود. با خنده و شادی اما جدی.

* * *

استاد دکتر محمد مقدم به سال ۱۲۸۷ خورشیدی در تهران زاده شد و پس از پایان رساندن دوره دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به امریکا رفت. در سال ۱۳۱۷ در دانشگاه پرینستون در رشته زبان شناسی دکترای خویش را دریافت داشت. از سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال ۱۳۴۳ گروه زبان شناسی همگانی و زبانهای باستانی را در دانشکده ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذارد و خود تا سال ۱۳۴۷ مدیریت آن را به عهده داشت.

در سال ۱۳۴۳ به سمت معاونت طرح و برنامه ریزی دانشگاه تهران منصوب شد و با سال ۱۳۴۷ که به افتخار بازنشستگی رسید در این سمت باقی بود. در سال ۱۳۴۶

عضویت شورای عالی فرهنگ و هنر منصوب شد و از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۰ سمت معاونت وزارت علوم و آموزش عالی را داشت. در سال ۱۳۴۸ به مقام اسنادی شایسته دانشگاه رسید و در ۱۳۴۹ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان ایران برگزیده شد و اینک در سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی به کار تجدید چاپ کتابهای نایاب در زمینه ایران شناسی میپردازد.

کوششهای علمی استاد دکتر مقدم از همان زمان که به ایران بازگشت آغاز شد. همزمان با تدریس در دانشکده ادبیات با همکاری چند تن از دانشمندان، از جمله تادروان استاد ذبیح بهروز و استاد دکتر صادق کیا دست به انتشار نشریه‌ای زد به نام "ایران کوده" که در آن زمان در نوع خود بی نظیر بود. درباره زبانشناسی بررسی‌های تازه‌ای عرضه میشد. تنهایی نمونه آن که اثر اندیشه و قلم خود استاد است، یعنی "سرود بنیاد دین زردشت"، هنوز پس از ۲۵ سال سرمشقی است برای روش‌بررسی دربارهٔ یسن‌ها. کاری بود که تمام کارهای دانشمندان پیشین را در برداشت و در پایان پیشنهادهای تازه و نظرهای خود استاد آمده بود.

دربارهٔ گویش شناسی، نخستین بار بود که به زبان فارسی بررسی‌هایی بر پایه علمی صورت میگرفت، این نخستین بار بود که چند گویش ایرانی با هم سنجیده و نتیجه‌گیری عامی از آنها میشد. این بررسیها در همین نشریه "ایران کوده" در سال ۱۳۲۸ زیر عنوان "گویشهای وقس و آشتیان و نفرش منتشر شد.

نکته‌ای که همه جا - چه در نوشته‌ها و ترجمه‌ها و چه در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها - به چشم میخورد ایراد دل‌بستگی بسیار به ایران و فرهنگ ایرانی است. در ترجمه کتاب "تاریخ هخامنشی" پیش از آنکه خواننده با نظر نویسنده امریکائی کتاب آشنا شود که نوشته بود:

"هنگامیکه کورش در ۵۳۹ پ. م. به بابل درآمد جهان کهنه بود
برسنا تر آنکه جهان کهنگی خود را میدانست"

دکتر مقدم در پیشگفتار آن کتاب نوشت:

"هنگامیکه در ۱۷۲۵ پیش از میلاد زردشت در چهل و دوسالگی در
صد خانه کنگ دژ در نیمروز درآمدن خورشید را به برج بره رصد کرد
و پایه گاه شماری آینده را استوار ساخت و حسابهای گذشته را درست و

۱) خود واژه گویش و گویش شناسی را نخستین بار دکتر مقدم و همکاران ایشان
بجای لهجه و dialect بکار بردند.

میزان کرد جهان ایرانی و فرهنگ آن کهنه بود...^۱

با وقتی کتاب دریا نوردی عرب در دریای هند تالیف " جوزف حورانی " را ترجمه کرد برای آنکه برای خواننده آن کتاب روشن کند که تا چه اندازه پاره‌ای از اروپاییان بر آشفنگی‌های خود نام دانش "تاریخ" میگذارند با چند سطر بی پروا در یادداشت پایان کتاب نوشت:

" در کتابهای تاریخ نه فقط در باطن مطالب آنها از نظرهای خاصی گردآوری و پشت سرهم گذاشته میشود، بلکه ظاهر آنها هم با بکار بردن عنوانهای دستچین شده همان هدفها را می‌پروراند. برای نمونه حتی در کتابی که موضوع آن دریا نوردی یک قوم شرقی، عربها در آبهای شرقی دریای هند، است در عنوان بخشهای آن " شرق پیش از اسکندر"، خلیج فارس در روزگار هلنیستی و رومی " و مانند آن دیده میشود.^۲"

" وقتی ترجمه این کتاب به من واگذار شد قرار بود که فصلی درباره دریا نوردی ایرانیان به آن بیفزایم. چون ترجمه تمام شد دریافتم که منابع فصلی که باید درباره ایران نوشته شود... همانهایی است که نویسنده این کتاب به کار برده، منتها آنچه به عرب نسبت داده شده در حقیقت مربوط به ایرانیان است.^۳"

و با اینهمه هرگز این دل بستگی دید باز واقع گسترده درونی او را نمی‌بندد و میگوید:

" پیشرفت دانش بدون برخورد های فکری و بازگشودن نظرهای گوناگون برای سنجش و داوری امکان پذیر نیست "

(ص. یک دریا نوردی عرب)

یکسال دانشگاه تهران از استاد ه. س. نیبرگ ایران شناس نامی سوئدی دعوت کرده بود که در دانشکده ادبیات درباره زبانهای ایرانی سخنرانی کند. از استاد دکتر مقدم خواهش شده بود که آن سخنرانی را که به زبان انگلیسی بود در همان جلسه به فارسی

(۱) ص ۱ پیشگفتار همان کتاب

(۲) ص ۱۷۳ / ۱۷۴ دریا نوردی عرب

(۳) همان کتاب پانویس ص ۱۷۳

ترجمه کند. گرچه استاد آمادگی از پیش نداشت این خواهش را پذیرفت و پیش از آغاز به ترجمه افزود: "آنچه من در اینجا میگویم فقط ترجمه سخنانی ایشان است و گرنه من خودم نظر دیگری دارم."

درباره زبان فارسی میگوید:

"از ویژگیهای زبان فارسی یکی آن است که پایگاه های گوناگون تحول را که هر زبانی برای پرورده شدن باید از آنها بگذرد کام به کام و بی شتابزدگی بیموده. زبان هم مانند هر چیز دیگر، چه مادی چه معنوی، اگر یکسبه رهد ساله ببیماید از آن پختگی و ژرفی و استواری و پرورش درونی که برآمد گذشت زمان است بی بهره می ماند..."

"اکنون که جنبش تازه ای پدید آمده و نیروهای فکری خفته مردم بیدار شده و در پی رسیدن به کاروان دانش برآمده ایم ناگزیر نیاز به گسترش زبان فارسی راهمه حس می کنیم و جبران کردن پس ماندگی آن را برای بیان کردن دانشهای امروزی خواهیم."^۲

"درد فارسی نداشتن واژه های علمی و فنی امروزی است. و از میان برداشتن این گامتی تنها از دست کسانی ساخته است که با اصل های علمی واژه سازی آشنا باشند، مایه های زبانی را بدانند و از طرز به کار رفتن و به کار انداختن آنها آگاه باشند."^۳

"... زبان برای بیان کردن فکر و فهماندن آن به شنونده است. این بیانچی هرچه آسان تر و روان تر و شسته رفته تر و ساده تر و زود فهم تر باشد پیشرفته تر و زیباتر و پرورده تر و در پیشبرد فرهنگ گویندگان آن اثر بخش تر خواهد بود و آموختن و فراگرفتن آن آسانتر و زودتر انجام خواهد گرفت. اینست هدفی که از این گفتگو و پیشنهاد داریم و نه آنطور که برخی گمان میکنند مثلا دشمنی با زبان و واژه های عربی در کار است. گذشته از اینکه ریشه های زبان عربی را گرفته از زبانهای ایرانی میدانیم و بنا بر این آنها را از فارسی جدا نمی شناسیم، نمی گوئیم که باید مثلا واژه های هوا، وقت، وصل، فصل، مرکز، عطر، عشق،

(۱) مجله اندیشه و هنر: "زبان فارسی" ص ۱۲۲۹

(۲) همانجا ص ۱۲۳۰

(۳) همانجا ص ۱۲۳۱

نقش، یا سحر را ناگهان از فارسی بیرون بریزیم. این واژه ها که همه ریشه های ایرانی دارند و کم و بیش صورت ایرانی خود را نگاه داشته اند آسیبی به یکدست بودن زبان فارسی نمی زنند. ولی واژه های تهویه، موقت، متصل، منفصل، متمرکز، معطر، معشوقه، عشقوش، و یامسحور که فراورده های دستگاه صرف، عربی هستند و با ساختمان واژه های فارسی هماهنگ و سازگار نیستند نباید باری بردوش زبان ساده فارسی شوند. ۱"

"زمانی که با سرمایه زبان خود و با روشهای درست به کار انداختن آن سرمایه خوب آشنا شویم، و دریابیم که کار زبان چیست و چگونه ساخته شده و چگونه گسترش یافته است، برای ما آسان خواهد شد که زبان پرمایه و زیبای خود را یکدست تر و رساتر و زیباتر و نیرومندتر و پرداخته تر بسازیم. ۲"

و به یاد داشته باشیم که ایشان یکی از چند تن مترجمان زبردست زبان فارسی است. کارهایی که در این زمینه انجام داده بهترین گواه این معنا است. او بخوبی میتواند با این چیرگی به زبان های بیگانه و برآوردن نیازهای خود دست از این اندیشه توانائی و توانا تر کردن زبان فارسی بردارد و به همان شیوه "متعالی" نوشتن و ترجمه کردن بسنده کند. باری من کمتر کسی را می شناسم که با این چیرگی به زبان های بیگانه باز در اندیشه فارسی نوشتن باشد و بگوید فارسی زبان جهانی است. این داشتن درد از ویژگیهای او است: درد زبان، درد مردمی و درد اندیشه درست و آزاد.

استاد دکتر مقدم کمتر دست به کاری زده است که جنبه دنباله روی و تقلید داشته باشد. بیشتر در پی کارهای تازه و بی سابقه بوده است. نوجوانی و نوجویی همه جا دیده میشود. درباره این سه اصل فرهنگی یعنی خط و زبان و دین که به راستی سازنده تاریخ فرهنگ هر ملت و کشوری است و محکی است برای باز شناختن فرهنگها از یکدیگر، بررسی های تازه و ژرفی را بنیاد نهاد و هنوز هم همچنان این شیوه را دنبال میکند.

درباره خط می نویسد:

(۱) همانجا ص ۱۲۳۸

(۲) زبان فارسی اندیشه و هنر ص ۱۲۳۹ -

" همه خطهای حرفی از قدیم و جدید در آغاز روی اصل طبیعی رسم کردن مقطع اندامها در مخرج هر صدا ساخته شده اند و جستجوها و بررسیهای یکی دو قرن اخیر همبستگی همه خطهای جهان را در آسیا و اروپا و آفریقا با یکدیگر ثابت نموده و مسلم است که اصل و منشاء همه خطهای حرفی یکی بوده است .

در هیچ کجای جهان در تواریخ اقوام و ملتها به مخترع خط اشاره ای نشده است مگر به صورت افسانه ای که یا خدایانی خط را ساخته اند یا پادشاه و پیغمبری آنرا مثلا " در خواب از خدایان آموخته یا با صراحت اعتراف شده که خط خود را از قوم دیگری گرفته اند . تنها کسی که در تاریخ اختراع خط به او نسبت داده شده زردشت است .

پس خطهای کنونی جهان اعم از فارسی و عربی و لاتین و روسی و ارمنی و حبشی و هندی و جز آنها یک اصل و منشاء دارند و چون در طی قرنهای (زمان زردشت قرن ۱۸ پیش از میلاد است) راز ساختمان حروف الفبا فراموش شده بود ، یا ملتها نتوانستند الفبای خود را طبق احتیاجات زبانشان تکمیل کنند، یا برای مشخص ساختن حروف دست به دامان علامتهای قوار دادی از قبیل نقطه و قلاب و نشانههای دیگر شدند ، و بدین ترتیب الفباها صورت طبیعی و علمی خود را از دست دادند . پس خطهای کنونی جهان هر یک دارای مزیت ها و نقصهای نسبت به یکدیگر هستند و هیچکدام کامل و علمی نیستند . "

مبارزه با بیسوادی و تغییر خط

ص ۱۲۵۳ مجله اندیشه و هنر

درباره زبان عربی مینویسد :

" زبان عربی در بنیاد زبانی جدا از زبانهای ایرانی نیست بلکه میتوان گفت " تحریف " یا " هزوارش " زبانهای ایرانی است که برای ساختن آن ریشه های ایرانی با روش ویژه ای در قالبها یا صیغه هایی ریخته و صرف شده . " (راهنمای ریشه فعلهای ایرانی ص ۶)

درباره ساختن واژه های فرهنگی عربی از زبان های ایرانی دکتر مقدم پس از بررسی های چندین ساله به قاعده های بسیاری دست یافت که از آن میان برای

گاف فارسی با ح عربی را در گفتاری زیر عنوان :

A Persian Arabic Phonetic Equation (g = h)

منتشر کرده است .

دربارهٔ دین مینویسد :

" زبان این سرودها (سرودهای گاهانی زردشت) نمونهٔ بسیار کهنی از زبان ایرانی است و از زمان آنها بیش از سه هزار پانصد سال میگذرد . دریافت و پذیرش دین مینوی زردشت که بنیادش بر رای و خواست و میهنش در دل هر مرد وزن بود برای جهان آن روز سخت بود و هنوز هم برای جهان ما دشوار است (سرود بنیاد دین . . . ص ۹)

و باز مینویسد :

" آزادی رای و کام پایهٔ دین است . بی آن توانائی گزینش نیست و آنجا که گزینش نیست خویشکاری نیست . آنکه نگزیده است در بند است و باید روشن شود نه ناگزیر تا آزاد گردد . گزیدن راه حق به خواست و کام ، مرد و زن هر یک برای خویشتن ، تنها پایه ایست که دین راستین را بر آن میتوان استوار ساخت . از این که بگذریم . روسازی و ریا و بازیچه و فریب و سودپرستی است " (ص ۱۵ همان کتاب)

دربارهٔ تاریخ می نویسد :

" عموماً " کتابهای تاریخ چه از نوع تاریخهایی که در دورهٔ اسلامی به عربی و فارسی در شرق ، یا به زبانهای دیگر در سرزمینهای غربی تر و شمالی تر نوشته شده (فرآورده های دستگاه خلافت بغداد و کلیسای رومی ، شرقی و غربی) ، و چه از نوع تاریخهای اروپایی و آمریکایی که با روشهای تازه تر نوشته شده و میشود (که هدف بیشتر آنها نگاهبانی همان میراث فرآورده های خلافت و کلیساست) کم و بیش با غرضهایی آلوده است و در نتیجه بسیاری از بخشهای تاریخ صورت و معنای حقیقی خود را از دست داده اند . ولی بیگمان با پیشرفت های روز افزون علم و دانش و صنعت ، دیر یا زود ، شیوه های کهنه تاریخ نویسی

که به ارث به زمان ما رسیده و شایسته این پیشرفت‌ها نیست کنار گذاشته‌خواهدشد تا پرورش معنوی با پیشرفت‌های صنعتی و فنی هم آهنگ گردد.^{۱)}

باز درباره تاریخ مینویسد:

" این یک شیوه برقرار شده تاریخ نویسی اروپایی است که در آسیای میانه و غربی هر جا که تاریخ با داستانهای بابل و آشور و یهود و غرب پر نمی‌شود بی‌گفتگو دست به دامن یونان و اسکندر میشوند. . ." (دریا نوردی عرب ص ۱۷۷)

و باز مینویسد:

" یک مساله دیگر که تاریخ باستان و سده های میانه را آشفته و درهم برهم کرده بردن نام سرزمینها و شهرها و رودخانه ها از شرق به غرب و در پی این نامگذاری پدید آمدن "دوقلو" برای شهرها و سرزمینها بخصوص در شرق و غرب ایران است. به این ترتیب از باز شناختن این که فلان پیشامد تاریخی در کدام سوی جهان روی داده است درمی‌مانیم. در روزگار ساسانیان و در زمان پیدایش اسلام حتی واژه های شرق و غرب و شمال و جنوب معنای واقعی خود را از دست داده بودند. (ص ۱۷۸ همان کتاب)

یکی دیگر از زمینه های پژوهشی استاد دکتر مقدم بررسی درباره دین و آیین مهر است. به دنبال پژوهش های تاریخی و محاسبات نجومی اندیشه مند بزرگ ایرانی سادر روان بهروز که ثابت کرده بود که مهر پیامبری بوده ایرانی، که در شب یکشنبه ۲۵ دسامبر سال ۲۷۲ پیش از میلاد زاده شده و در شصت و چهار سالگی این جهان را بدرود گفته، استاد دکتر مقدم از روی بررسی آثار پراکنده این دین در سراسر جهان، گامهای دیگری در راه روشن کردن این دین راز آمیز برداشت و چنین نوشت:

" دین مهر در دوره اشکانی دین رسمی شاهنشاهی ایران و تا سده چهارم میلادی دین رسمی امپراطوری رم بود. . . سپس با شدت شگفت آوری در همه جا به سرکوبی این دین جهانی کمر بستند و یادمانهای آنرا ویران ساختند و پیروان آنرا آزار و شکنجه دادند. علت برافتادن آن آیین هم در ایران دشمنی ساسانیان و اشکانیان بود که

به دست آنان این دین اشکانی برافتاد . . . و این ویرانگری در ایران به دست ساسانیان که دشمن اشکانیان بودند و در غرب بدست امپراتوران بیزانس و کلیسا انجام گرفت . . . ولی برانداختن نفوذ ژرف و اثر این دین محال بود و در همه جا دینهای که جای دین مهر را گرفتند چنان با فکرها و عقیده ها و واژه های خاص این دین و رسمها و آیینهای آن آغشته شدند که باید گفت گرچه بظاهر دین مهر را برانداختند در واقع دین کسی را که ایرانیان او را " پیروزگر " و رومیان او را " خداوند شکست ناپذیر " میخواندند درون دینهای دیگر زنده و در معنا شکست ناپذیر بازماند . "

این نکته اینجا گفتنی است که یافتن رازها و دریافتن نکته های پیچیده تاریخ و فرهنگ ایران به دست دانشمندان ایرانی کم نبوده است ولی مناسبانه عموماً " از قلم و زبان ایرانیان پذیرفته شدنش دیرتر صورت میگرفته تا از قلم و زبان اروپائیان . یادی هم از نخستین فرآورده های اندیشه ایشان در طبع آزمایی، در آن روزهایی که از شعر نونام و نشانی نبوده، دکتر مقدم اگر نخستین گوینده و سراینده شعر نباشد بی گمان یکی از بنیادگذاران دیرینه آن است .

چهل و دو سال پیش، یک شب به دنبال گفت و شنودی که با یکی از دوستان خود کرده و سخن از بیان اندیشه های درون به میان آمده بود، دکتر مقدم قلم برداشت و آن " راز نیمه شب را " از زبان " اسپندار نیم سوخته " چنین بر روی کاغذ آورد :

اکنون نیمی ز شب تیره گذشته

نیمی ز تنم سوخته

نیم دگرش مانده بیای

یا سوخته گردد یا نه

تا نیمه شب سوختم و اشکم

ریزان بر رویم

خاموش بدم کس نشنیدم

خود سوختم از بهر خود و کسی ندیدم

چون نیمه شب گشت یکی پروانه

از دور بیاهد برم و روشنیم خواست

از روشنیم بال و پرش سوخت
سوزی زدرون من برآورد

تا نیمشب آرام بدم

آرامش سوزان

تا نیمه دیگر

چون سوزم و سوزآرم و خاموش شوم

راژنیمه شب چاپ دوم تهران ۱۳۱۳

در پایان بایسته میدانم مطلبی را که دکتر مقدم همیشه یادآوری میکند بازگو
کنند. دکتر مقدم همیشه میگوید که بنیاد فکر و بررسیهای او را شادروان ذ. بهروز گذاشته
و کارهایی را که او انجام میدهد در واقع دنباله کارهای بهروز است.
در زیر برای خواننده کنجکا و فهرستی از نوشته ها و سخنرانیهای ایشان را تا
آنجا که در دسترس بود فراهم کرده و به ترتیب موضوع آورده ام.

دیرز یاد. ایدون باد. ایدون تر باد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست موضوعی آثار استاد دکتر محمد مقدم

۱- درباره زبان و زبان شناسی :

- چند نمونه از متن نوشته های فارسی باستان با شرح لغات. ایران کوده ش ۴
 داستان جم با شرح لغات و ترجمه . با همکاری ص. کیا " " " " " "
 نمونه ای از نوشته های هخامنشی ۱ " " " " " "
 یک شعر روستائی از اوستا ۳ " " " " " "
 یک سند تاریخی از گویش آذری تبریز ۱ " " " " " "
 گویشهای وفس و آشتیان و تفرش ۱۱ " " " " " "
 ریشه واژه های فرهنگی زبان عربی ۱ " " " " " "
 ریشه واژه کراوات ۳ " " " " " "
 آینده زبان فارسی سخنرانی در باشگاه مهرگان سال ۱۳۴۱
 برای آینده زبان ایران ، ۲۵۳۵ شاهنشاهی ، اندیشه های رستاخیز سال اول
 شماره ۲

A Persian-Arabic Phonetic Equation (g = h) .

- درباره علم انسانی و مطالعات فرهنگی
 راهنمای ریشه فعلهای ایرانی تهران ۱۳۴۲
 در یادنامه جمشید م. اونوالا بمبئی ۱۹۶۴

۲- درباره خط :

- درباره پیدایش خط حرفی تهران ۱۹۴۵
 organic alphabet
 الفبای روسی
 پای صحبت یک زبان شناس ایرانی
 سالنامه کشور ایران سال ۴
 ایران کوده، شماره ۳
 مجله اندیشه و هنر، ۱۳۴۵

۳- درباره دین :

- یادداشتی درباره مهر و زمان او
 مجله دانشکده ادبیات، جلد ۷

ایران کوده، شماره ۱۲
 سخنرانی در دومین کنگره بین
 المللی مهر پرستی، ۲۵۳۴
 شاهنشاهی
 زیر چاپ

سرود بنیاد دین زردشت
 Mithra the Incarnate
 Saviour
 جستار درباره مهر و ناهید

۴- درباره تاریخ:

تاریخ دریا نوردی - سردر دریای هند (ترجمه)، تهران ۱۳۳۸
 تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (ترجمه) تهران ۱۳۴۰
 چهارشنبه سوری
 مجله دانشکده ادبیات جلد ۵
 شماره ۳

۵- شعر و ادب:

بازگشت به الموت تهران ۱۳۱۴
 بانگ خروس " ۱۳۱۳
 راز نیمه شب " ۱۳۱۳
 رستم و سهراب از شاهنامه " ۱۳۱۳

۶- کتابشناسی:

فهرست توصیفی مجموعه گرت (انگلیسی) پرینستون ۱۹۳۹ میلادی

پرتال جامع علوم انسانی